



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



استفاده غیرقانونی اسرائیل و آمریکا از زور علیه ایران: پیگیری ماجرا

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

پیرو حمله شبانه اسرائیل به ایران و متعاقب آن الحاق آمریکا به اقدامات جنایت بار علیه کشورمان، در سطح جهانی برخی از حقوقدانان به نقد و بررسی این رویداد پرداختند و سعی کردند تا ابعاد نقض حقوق بین الملل مرتبط با این واقعه را مورد بحث و بررسی قرار دهند. یکی از محققانی که به فاصله چند ساعت پس از حمله اسرائیل به ایران یادداشت تحلیلی از منظر حقوق بین الملل در این مورد نگاشت و آنرا محکوم کرد، دکتر مارکو میلانویچ بود. امور پژوهشی کمیسیون نیز به سرعت متن نوشتار وی را در همان روزهای جنگ به فارسی برگردان و در اختیار مخاطبان ایرانی قرار داد. دکتر میلانویچ بعد از اضافه شدن آمریکا به اسرائیل در تجاوز علیه ایران، مجدد نوشتار حقوقی را ارائه کرد که مورد توجه حقوقدانان در مناطق مختلف دنیا قرار گرفت. متن حاضر نوشته اخیر مورد اشاره است. اهمیت اقدام حقوقدان یاد شده، فارغ از اصل موضع حقوقی وی در رد تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران، در این است که در انتهای همین نوشتار به عنوان تذکار اجرایی اعلام کرده که در تعطیلات با خانواده به جنوب شرقی آسیا رفته و مقاله خود را در طی چند ساعت کنار استخر نگاشته است! این اولویت دهی به موضوع و اختصاص زمان برای انجام مسئولیت اجتماعی و انسانی حتی حین تعطیلات کاری خویش، در خور توجه و درس آموز است به ویژه برای حقوقدانان کشور خودمان و سایر کشورهای در حال توسعه.

امید است برگردان فارسی این قبیل نوشتارهای حقوقی در خصوص تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران، به ارتقای آگاهی های عمومی کمک کرده و همه ما را در دفاع جدی تر از حقوق ملی و انسانی خود و مقابله هوشمندانه با ناقضان حقوق انسانی و متجاوزان و سیطره گران مصمم تر سازد.

ضمناً در متن مقاله حاضر بعضاً به منابعی دیگر اشاره شده که امور پژوهشی کمیسیون لینک دسترسی به آنها را در زیر نویس همان صفحه درج نمود، هم چنین چند مورد انتقادی نیز در اعلام نظرهای نویسنده وجود داشت که توضیحاتی در زیر نویس در هر مورد ارائه شد.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تیرماه ۱۴۰۴

♦ نویسنده: مارکو میلانوویچ، استاد حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه ری‌دینگ انگلیس و عضو هیئت تحریریه فصلنامه اروپایی حقوق بین الملل

♦ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: سوگل رضا قلی، دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و همیار کمیسیون، ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، تیرماه ۱۴۰۴

♦ مآخذ: بلاگ فصلنامه اروپایی حقوق بین الملل، (بخش گفتگو)، منتشره در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵

♦ شناسه متن: ۰۴/۲/۲۰۶

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

متن مقاله:

روز گذشته [۲۲ ژوئن]، ایالات متحده با پیوستن به اسرائیل در استفاده از زور علیه ایران، اقدام به انجام یک عملیات بمباران دقیق علیه تأسیسات هسته‌ای ایران کرد. مانند استفاده قبلی اسرائیل از زور، به نظر من این اقدام ایالات متحده نیز کاملاً غیرقانونی است - نقض صریح ممنوعیت استفاده از زور مطابق بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد. دلیل آن ساده است: قانونی بودن [یا نبودن] استفاده آمریکا از زور به عنوان رویداد وابسته، به اعتبار استدلال‌های اسرائیل برای توجیه اقداماتش مرتبط است.

در این نوشتار، برخی مسائل مربوط به موضع حقوقی کشورهای ثالث در قبال این مورد استفاده از زور علیه ایران را بررسی خواهم کرد. ابتدا بار دیگر به برخی از استدلال‌های مربوط به استفاده اسرائیل از زور خواهم پرداخت، سپس به دخالت آمریکا می‌پردازم، بعد از آن این سؤال را بررسی می‌کنم که آیا کشورهایی که از حق دفاع مشروع خود استفاده می‌کنند، می‌توانند به طور قانونی حریم هوایی کشورهای ثالث را نقض کنند یا نه، و در نهایت درباره امکان کمک کشورهای ثالث به اسرائیل در ساقط نمودن موشک‌های ایرانی صحبت خواهم کرد.

حمله هسته‌ای قریب‌الوقوعی علیه اسرائیل در کار نیست

همان‌طور که در نوشتار قبلی^۱ ام توضیح دادم، تنها استدلال قابل بررسی برای اسرائیل جهت توجیه استفاده از زور علیه ایران، دفاع پیش‌دستانه است. به این معنا که لازم [بوده] است در حال حاضر به‌طور قاطعانه وارد عمل شد تا از وقوع یک حمله قریب‌الوقوع با سلاح هسته‌ای از سوی ایران علیه اسرائیل جلوگیری شود. مشکل اصلی اسرائیل، مشکل واقعیات [عینی] و شواهد [و مستندات معتبر] است. حتی با در نظر گرفتن تعاریف بسیار انعطاف‌پذیر از "قریب‌الوقوع بودن"، نمی‌توان بر اساس شواهد [و مستندات معتبر] موجود در فضای عمومی این‌گونه استدلال کرد که:

۱. ایران تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای گرفته است (یعنی رهبری این کشور چنین قصدی دارد)، و

^۱ منظور نویسنده نوشتار با عنوان زیر است که این متن نیز در امور پژوهشی کمیسیون به فارسی برگردان و در دسترس عموم فارسی‌زبانان قرار گرفته است:

۲. پس از ساخت سلاح، ایران قصد دارد از آن علیه اسرائیل استفاده کند.

البته این به معنای آن نیست که [لزوماً] برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است - چنین نیست. ایران برای یک برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای، نیازی به تأسیسات ساخته‌شده یا این حجم از اورانیوم با غنای بالا نداشت. آنچه مشخص است این است که ایران می‌خواست گزینه ساخت بمب اتم را - آن هم در زمان نسبتاً کوتاه - برای خود محفوظ نگه دارد؛ گزینه‌ای که رهبری این کشور آن را برای بقای رژیم حیاتی می‌دانست. پیگیری این گزینه نیز ما را به وضعیت فعلی رسانده است.^۲ اما صرف دنبال کردن این گزینه، با وجود اینکه تهدیدی علیه اسرائیل و منطقه محسوب می‌شود، به معنای یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع نیست - حتی اگر تعریف گسترده‌تری از واژه "قریب‌الوقوع" را در نظر بگیریم. گزارش‌های اخیر این ارزیابی را تأیید می‌کنند. مقاله‌ای در نیویورک تایمز که چند روز پیش منتشر شد و به شدت به منابع اطلاعاتی آمریکا استناد دارد، می‌گوید: «سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده همچنان بر این باورند که ایران هنوز تصمیمی برای ساخت بمب هسته‌ای نگرفته است، هرچند به گفته مقام‌های اطلاعاتی و دیگر مقامات آمریکایی، ذخایر بزرگی از اورانیوم غنی‌شده در اختیار دارد که می‌تواند برای ساخت آن استفاده شود.» به گفته این مقامات، این ارزیابی از ماه مارس [۲۰۲۵] تغییری نکرده است - حتی با وجود حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران. مقاله مذکور همچنین اشاره می‌کند که "آژانس‌های اطلاعاتی اسرائیل هیچ مدرک جدیدی به هم‌تایان آمریکایی خود ارائه نداده‌اند که بتواند این ارزیابی را تغییر دهد؛ اگرچه ادعا می‌کنند ایران می‌تواند بسیار سریع‌تر از ارزیابی‌های قبلی بمب بسازد. در واقع، مقامات گفته‌اند که اطلاعات ارائه‌شده از سوی اسرائیل و منابع دیگر، اطلاعات جدیدی درباره برنامه هسته‌ای یا قصد ایران برای ساخت بمب نبوده، بلکه تحلیل‌های جدیدی از داده‌های موجود بوده است." همین جمله کافی است: *یادآور عراق ۲۰۰۳*.

پس، باز هم باید تأکید کرد که از میان آن دو قصد یا تصمیم (ساخت بمب و استفاده از آن علیه اسرائیل)، حتی برای اولی شواهد کافی وجود ندارد، چه برسد به دومی. البته اینکه پس از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، این ارزیابی تغییر کند یا نه، مسئله‌ای دیگر است.

استدلال‌های توجیه‌کننده استفاده اسرائیل از زور

^۲. توضیح امور پژوهشی کمیسیون: نویسنده همان فرضی که از سوی دولتهای غربی مکرر علیه ایران ادعا میشود را مطرح کرده و نگفته که تحریم‌های همه‌جانبه غرب و اینکه منابع مورد نیاز برای برخورداری صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای را سلب میکنند، دولت ایران را ناچار کرده تا خود تأسیسات همه‌جانبه هسته‌ای با نظارت فراگیر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای راه‌اندازی کند و غنی‌سازی در سطح بالا نیز به عنوان اقدام بازدارنده برای جلوگیری از اعمال فشار غرب به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام انجام شده و سطح و میزان آن کاملاً تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بوده است.

علاوه بر دیدگاه‌هایی که در نظرات زیر پیام [منتشره] نخست من بیان شده‌اند، مقالات متعددی نیز از سوی همکاران منتشر شده‌اند که تلاش دارند استفاده اسرائیل از زور علیه ایران را توجیه کنند (رجوع شود به نوشتار کوهن، اشمیت و شانی، کیتیری و کورن و ساگوریاس؛ اما برای پاسخی دقیق و نکته‌به‌نکته به این استدلال‌ها، نگاه کنید به مقاله عادل احمد حق)^۳

مهم‌تر از همه، اسرائیل به‌طور رسمی در نامه‌ای به شورای امنیت، توجیه خود برای استفاده از زور را مطرح کرده است – و همین توجیه رسمی است که اهمیت دارد. به‌طور کلی، سه استدلال عمده برای توجیه استفاده اسرائیل از زور مطرح شده‌اند:

۱. این حمله بخشی از یک درگیری مسلحانه بین‌المللی مستمر میان ایران و اسرائیل بوده است، و بنابراین نیازی به تحلیل بیشتر درباره مشروعیت استفاده از زور (jus ad bellum) نیست. (به‌ویژه رجوع شود به دیدگاه منعکس در مقاله کیتیری و کورن)

۲. ایران در حال انجام یک حمله مسلحانه علیه اسرائیل بوده و اقدام اسرائیل پاسخی به همان حمله بوده، در حالی که همچنان در چارچوب ضرورت و تناسب باقی مانده است. (به‌ویژه رجوع شود به دیدگاه منعکس در مقاله کوهن و شانی)

۳. واقعاً حمله‌ای هسته‌ای و قریب‌الوقوع از سوی ایران علیه اسرائیل در شرف وقوع بوده و پاسخ نظامی اسرائیل ضروری و متناسب بوده، زیرا این آخرین فرصت برای اقدام بوده است. (دوباره رجوع شود به دیدگاه منعکس در مقاله کیتیری و کورن و هم چنین مقاله اشمیت)

تمام این استدلال‌ها در نامه رسمی اسرائیل بازتاب یافته‌اند، بدون آنکه تمایز روشنی میان آن‌ها قائل شده باشد. برعکس، این استدلال‌ها به‌طور عمدی در هم آمیخته شده‌اند، همان‌طور که توجیهات سیاسی و حقوقی نیز ترکیب شده‌اند. اما هیچ‌کدام از آن‌ها قانع‌کننده نیستند. (در واقع، هرگاه مجموعه‌ای از استدلال‌های مختلف برای توجیه استفاده از زور ارائه شود، معمولاً این یک نشانه‌ی قابل اطمینان است که آن استدلال‌ها به‌صورت جداگانه ضعیف

^۳. نویسنده لینک مقالات مورد اشاره را نیز در متن نوشتار خود ارائه کرده که تفصیل آن در ترجمه فارسی، بشرح زیر تقدیم میشود با این یادآوری که مقاله عادل احمد حق نیز توسط کمیسیون به فارسی ترجمه و در دسترس عموم قرار دارد:

<https://www.justsecurity.org/114641/israel-iran-un-charter-jus-ad-bellum/>
<https://lieber.westpoint.edu/israels-operation-rising-lion-right-of-self-defense>
<https://www.pennccerl.org/the-rule-of-law-post/israels-attack-on-irans-nuclear-weapons-program-is-fully-justified-under-international-law>
<https://lieber.westpoint.edu/assessing-legality-israels-action-iran-international-law>
<https://www.justsecurity.org/115010/israel-unlawful-attack-iran-charter/>

هستند؛ و ترکیب آن‌ها هم باعث تقویتشان نمی‌شود - برای نمونه نگاه کنید به [توجیهات] حمله سال ۲۰۰۳ به عراق، یا تهاجم ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین).

در خصوص استدلال اول، این استدلال بر اساس آثار علمی مرحوم یورام دینشتاین (Yoram Dinstein) بنا شده که رویکردی نسبتاً خاص و شخصی نسبت به مفهوم "جنگ" در حقوق معاصر استفاده از زور (jus ad bellum) داشته است. این استدلال اساساً بین jus ad bellum و jus in bello خلط می‌کند (یعنی بین مشروعیت آغاز جنگ و حقوق حاکم بر نحوه انجام آن). در اینجا تنها به نقل قولی از نوشته مایک اشمیت (Mike Schmitt) که قبلاً ذکر شد، بسنده می‌کنم:

«گرچه تحلیل‌های دینشتاین نباید به سادگی کنار گذاشته شوند، اما من با برداشت او در این مورد موافق نیستم. من از دیدگاهی حمایت می‌کنم که مورد تأیید اکثر متخصصان است، مبنی بر اینکه [در حقوق بین‌الملل] قواعد/استفاده از زور (jus ad bellum) و حقوق مخاصمات مسلحانه (law of armed conflict) دو نظام حقوقی متمایز هستند که در کنار هم اعمال می‌شوند.» (برای ملاحظه شرح این موضوع به اثر ساسولی و ماکاک رجوع شود)^۴

من نمی‌گویم که هر عملیات نظامی باید به‌طور مستقل با معیارهای دفاع مشروع سنجیده شود؛ چنین استانداردی از نظر عملیاتی غیرقابل اجراست. اما تا زمانی که عملیات‌های بعدی قابل پیش‌بینی باشند و درگیری‌ها بدون وقفه ادامه داشته باشند، حق دفاع مشروع ادامه می‌یابد. با این حال، وقتی تغییری عمده در ماهیت درگیری رخ می‌دهد - مانند هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای ایران پس از یک وقفه نسبی در نبردها - باید بررسی شود که آیا برای آن اقدام خاص، مبنای حقوقی وجود دارد یا خیر، و آیا با اصول تناسب و ضرورت هم‌خوانی دارد یا نه؟ (رجوع شود به اثر منتشره گرین وود^۵، صفحه ۲۲۳)

من فقط اضافه می‌کنم که نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در سال ۲۰۲۴ درباره اشغال سرزمین‌های فلسطینی، به شدت از این دیدگاه حمایت می‌کند که ارزیابی دفاع مشروع در چارچوب jus ad bellum باید پیوسته انجام شود، نه فقط در لحظه آغاز یک درگیری مسلحانه (برای بحث بیشتر، رجوع شود به مقاله دیگری از

^۴ اثر مزبور در لینک زیر قابل دسترس است:

<https://lieber.westpoint.edu/separation-between-jus-in-bello-jus-ad-bellum/>

^۵ <https://www.jstor.org/stable/۲۰۰۹۶۹۸۸?seq=۱>

خودم، میلانویچ با عنوان «مفهوم اشغال غیرقانونی در نظر مشورتی دیوان در موضوع فلسطین»، که به زودی در مجله ICLQ منتشر می شود.^۶

در مورد استدلال دوم – که ایران در چارچوب مفهومی ماده ۵۱ منشور سازمان ملل در حال حمله مسلحانه به اسرائیل بوده – فقط باید همان نکاتی را که در بخش نظرات زیر پیام منتشره اولیه ام مطرح کردم، تکرار کنم. صادقانه بگویم، این ادعا که مثلاً در تاریخ ۱۱ یا ۱۲ ژوئن، ایران به اسرائیل حمله می کرد، با عقل سلیم هم سازگار نیست. برعکس، همان طور که خود «کوهن» و «شنی» در ابتدای نوشتارشان (که در بالا به آن ارجاع دادم) گفته اند، این اسرائیل بود که در ۱۳ ژوئن به ایران حمله کرد. این واقعیت است. حتی اگر فرض بگیریم که ایران در حال انجام حمله ای به اسرائیل بوده، شدت آن حمله آن قدر پایین بوده که واکنش فعلی اسرائیل با هیچ درک معقولی از «ضرورت» و «تناسب» سازگار نیست. کسانی که خلاف این را ادعا می کنند، احتمالاً همان هایی هستند که معتقدند هند یا پاکستان (بسته به این که کدام یک را آغازگر درگیری بدانید) نیز چند هفته پیش این حق را داشتند که در دفاع مشروع، برنامه هسته ای طرف مقابل را هدف قرار دهند. چنین استدلالی در عمل باعث می شود که تحلیل حقوقی درباره ضرورت و تناسب بی معنا شود.

و اما استدلال سوم باقی می ماند – استدلالی که به «قریب الوقوع بودن» حمله مربوط می شود.

همه ما توافق داریم که ارزیابی چنین موضوعی به زمینه و بستر پیشین وابسته است. در اینجا می خواهم دو نکته را، عمدتاً در پاسخ به «مایک اشمیت» (Mike Schmitt)، مطرح کنم:

نکته اول به اظهارات خصمانه مقامات ایرانی درباره اسرائیل مربوط می شود. مایک استدلال کرده که: اگر در باره این که آیا رهبران ایرانی منظورشان از آن اظهارات خصمانه جدی بوده یا نه تردیدی وجود دارد، این ریسک را باید طرفی بپذیرد که آن اظهارات تهدیدآمیز را بیان کرده است.

این موضع گیری از چند جهت مشکل دارد:

۱. مقامات ایرانی حرف های متنوعی زده اند – از جمله اینکه گفته اند قصد تولید سلاح هسته ای ندارند. مشخص نیست چرا فقط برخی از گفته های آن ها به عنوان معیار نیت واقعی شان در نظر گرفته می شود و نه همه شان.
۲. مقامات اسرائیلی هم در سال های گذشته حرف های تحریک آمیز زیادی زده اند – به عنوان نمونه، اخیراً یکی از آن ها گفته بود: تهران خواهد سوخت. با توجه به سابقه اظهارات تند مقامات اسرائیل، به ویژه درباره غزه،

^۶ https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=۵۲۸۴۶۹۶

واقعاً جای تأمل دارد که آیا به نفع خود اسرائیل است که یک اصل حقوقی را بپذیرد که بر اساس آن، باید تمامی این لفاظی‌ها دقیقاً جدی تلقی شوند؟ (نکته‌ای که پیش‌تر «آمیخای کوهن» و «یووال شانی» نیز با آن مخالفت کرده بودند).^۷

۳. مهم‌تر از همه، شواهدی فراتر از [این قبیل] اظهارات وجود دارند که برای درک نیت واقعی یک کشور ارزش حقوقی دارند. اسرائیل بارها توانایی خود در جاسوسی مؤثر از رهبران ایران را نشان داده، اما همان‌طور که در مقاله نیویورک تایمز اشاره شد، حتی با این دسترسی، نتوانسته جامعه اطلاعاتی ایالات متحده را قانع کند که ایران تصمیم قطعی برای ساخت بمب هسته‌ای گرفته، چه برسد به استفاده از آن علیه اسرائیل.

نتیجه نهایی این است:

تمام این استدلال‌ها در واقع تلاشی‌اند برای آنکه یک اقدام کاملاً پیش‌دستانه را به شکلی آراسته و قانونی جلوه دهند. این استدلال‌ها نه تنها ضعیف، بلکه به شدت ناکارآمد و بی‌اعتبار هستند (چیزی که حتی مایک نیز با بیانی ملایم اذعان می‌کند وقتی می‌گوید استدلال دفاع پیش‌دستانه تنها در صورتی قابل قبول است که تفسیری بسیار آزاد از عناصر مختلف آن داشته باشیم).

آیا بین کارشناسان حقوق بین‌الملل تششت دیدگاه وجود دارد؟

یک مقاله توضیحی خوب برای مخاطب عام در روزنامه نیویورک تایمز اشاره کرده بود که کارشناسان حقوق بین‌الملل درباره مشروعیت اقدام اسرائیل اختلاف نظر دارند. در نگاه نخست، و با توجه به مقالاتی که طی روزهای اخیر منتشر شده‌اند، به نظر می‌رسد این ارزیابی درست است. اما – با نهایت احترام به همکارانی که نظر مخالف دارند – باید گفت این اختلاف نظر آن قدرها هم عمیق نیست. از آنجا که من (نویسنده) در شبکه‌های اجتماعی حضور ندارم و هرگز هم نخواهم داشت، دقیق نمی‌دانم جامعه حقوق‌دانان بین‌الملل آنجا چه گفته‌اند. اما بر اساس شنیده‌هایم، مطمئنم اکثریت قابل توجهی معتقدند که اسرائیل به صورت غیرقانونی عمل کرده است. البته در حرفه ما همیشه دشوار است که با اطمینان مشخص کنیم اکثریت دقیقاً چه دیدگاهی دارند، چرا که به‌هرصورت با یک علم تجربی سر و کار نداریم. با این حال، بر اساس برداشت شخصی خودم از دیدگاه‌های رایج در جامعه حقوق بین‌الملل و گفت‌وگوهایی که طی روزهای اخیر داشته‌ام، معتقدم بیش از ۹۰٪ از کارشناسان حقوق بین‌الملل اقدام

^۷ <https://www.justsecurity.org/۹۰۹۳۹/selective-use-of-facts-and-the-gaza-genocide-debate/>

اسرائیل در حمله به ایران را غیرقانونی می‌دانند. از نظر من، این نتیجه‌گیری بسیار معتبر است - هرچند که تنها بر پایه تجربه شخصی باشد.

اگر این مسئله به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شود...

من تقریباً مطمئنم که اگر این موضوع در قالب یک نظریه مشورتی به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) ارائه شود، اکثریت بزرگی از قضات - شاید حتی با رأی ۱۴ به ۱ - اعلام خواهند کرد که اسرائیل به صورت غیرقانونی از زور استفاده کرده است. همچنین اگر انجمن حقوق بین‌الملل آمریکا (ASIL) یا انجمن اروپایی حقوق بین‌الملل (ESIL) از اعضای خود نظرسنجی کنند - یا حتی فقط در یک کنفرانس دست‌ها را بشمارند - باز هم اکثریتی قاطع اقدام اسرائیل را ناقض حقوق بین‌الملل خواهند دانست. چه خوب می‌شود اگر کسی واقعاً این کار را انجام دهد! خودم سال‌ها پیش، به عنوان مدیر جلسه در یک کنفرانس انجمن اروپایی حقوق بین‌الملل، چنین رأی‌گیری‌ای را درباره تهاجم سال ۲۰۰۳ به عراق انجام دادم - تا جایی که یادم می‌آید، فقط یک نفر در سالن معتقد بود که آن حمله قانونی بود.

در نتیجه، این پرونده از نظر حقوقی اصلاً دشوار نیست.

با وجود تمام استدلال‌هایی که ممکن است "موجه"، "قابل بحث" یا "رنگ و لعاب حقوقی" داشته باشند، باید گفت: بهترین توصیف از استدلال اسرائیل در توجیه استفاده از زور علیه ایران این است که فقط نمی‌توان با قطعیت آن را "غیرقانونی بدون ابهام" نامید. اما حقیقت این است که همه ما می‌دانیم این اقدام غیرقانونی بوده است. دقیقاً مانند مورد [اقدام نظامی علیه] عراق در سال ۲۰۰۳ یا [اقدام نظامی] روسیه [علیه اوکراین] در سال ۲۰۲۲.

و اگر امروز در این ماجرا ابهامی دیده می‌شود، این ابهام صرفاً ناشی از دهه‌ها تلاش دولت‌های ذی‌نفع، برخی وکلای دولتی، و برخی اساتید دانشگاهی برای گسترش انعطاف‌پذیری در موازین موجود است - تا جایی که بتوانند آن را به راحتی تفسیر و بهره‌برداری کنند. این که این وضعیت خوب است یا بد، به دیدگاه افراد بستگی دارد. اما جای تردید نیست که چنین تلاش‌هایی با هدف کلی منشور ملل متحد - یعنی کاهش توسل یک‌جانبه به زور - در تضاد هستند. برخی از استدلال‌های حقوقی اسرائیل، همان‌هایی هستند که روسیه برای حمله به اوکراین استفاده کرد.

تفاوت در حقایق است، نه در چارچوب حقوقی. نمی‌توانم در اینجا یاد آن تیتز معروف‌ترین روزنامه طرفدار دولت در صربستان نیفتم، که درست شب قبل از حمله کامل روسیه به اوکراین، روی جلدش نوشت: اوکراین به روسیه حمله کرد! این دقیقاً چیزی است که این استدلال اسرائیل به آن تبدیل می‌شود و وارونه‌سازی واقعیت. البته، من

قبول دارم که اسرائیل دلایل به مراتب بیشتری نسبت به روسیه برای نگرانی از یک ایران هسته‌ای دارد. اما هسته اصلی استدلال حقوقی مشابه است - استدلالی بی‌حدومرز که توانایی آن را دارد که ممنوعیت توسل به زور در حقوق بین‌الملل را کاملاً تهی و بی‌اثر کند.

در مقام یک حقوقدان بین‌الملل، ترجیح می‌دهم در [این موضوع] در کنار کسانی مثل الیزابت ویلمشرست (Elizabeth Wilmshurst)^۹ بایستم، تا اینکه به توجیهات فرسایشی و خطرناک برای استفاده از زور بپردازم - توجیهاتی که کشورهای مانند روسیه نیز می‌توانند به راحتی از آن بهره‌برداری کنند.

شاید فقط شاید - ماجراجویی نظامی اسرائیل و آمریکا علیه ایران به نتایج مثبتی منتهی شود^۹. من نمی‌توانم آن را پیش‌بینی کنم، و قبول دارم که چنین سناریویی ممکن است. اما سناریوهای فاجعه‌بار بسیاری را نیز می‌توان تصور کرد - و دست کم حقوق بین‌الملل در ارزیابی این خطرات بسیار روشن و صریح است.

آیا کشورهای ثالث استدلال‌های اسرائیل را پذیرفته‌اند؟

آنچه کارشناسان حقوق بین‌الملل می‌گویند یک چیز است اما نهایتاً، این دولت‌ها هستند که حقوق بین‌الملل را شکل می‌دهند. پس مهم است که بررسی کنیم کشورهای دیگر تا این لحظه چه موضعی اتخاذ کرده‌اند و در ماه‌های آینده چه خواهند گفت.

دو نکته در اینجا قابل توجه است:

نکته اول: حتی نزدیک‌ترین متحدان اسرائیل و آمریکا، در بیانیه‌هایشان از زبان بسیار محتاطانه‌ای استفاده کرده‌اند. از یک طرف، حمایت سیاسی خود را ابراز کرده‌اند، اما از طرف دیگر، از تأیید استدلال‌های حقوقی اسرائیل خودداری کرده‌اند. برای نمونه، بیانیه سران گروه ۷ اعلام کرد: اسرائیل حق دفاع از خود را دارد. اما نگفت که این استفاده خاص از زور در چارچوب دفاع مشروع قرار می‌گیرد.

در مقابل، ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) صراحتاً حملات اسرائیل به ایران را تجاوز نامیدند.

^۹ <https://www.independent.co.uk/news/uk/politics/wilmshurst-an-ovation-for-witness-of-principle-1884541.html>

^۹ توضیح امور پژوهشی کمیسیون: معلوم نیست منظور از نتایج مثبت مورد ادعا چیست؟ نقض موازین بین‌المللی در حمله به اماکن مورد حمایت حقوق بردوستانه، کشتن غیر نظامیان، حمله به خبرنگاران، نیروهای امدادرسان و آمبولانسها و بیمارستانها و دهها جنایت دیگر چه جنبه مثبتی از منظر حقوقی می‌تواند داشته باشد. شاید منظر نویسنده جنبه‌های مثبت سیاسی امنیتی مورد نظر حمله‌کنندگان باشد

نکته دوم: به احتمال زیاد، بسیاری از مشاوران حقوقی دولت‌های غربی، در جلسات محرمانه به رهبرانشان توصیه کرده‌اند که این اقدام اسرائیل غیرقانونی است. در بریتانیا، این موضوع مشخصاً اتفاق افتاده است. گزارش شده که دادستان کل، لرد هرمر (Lord Hermer)، مشاوره اولیه‌ای ارائه کرده مبنی بر اینکه "در خصوص مشارکت بریتانیا در این عملیات (غیر از دفاع از متحدان) نگرانی‌هایی وجود دارد". این منجر شد به آنکه حتی آمریکا هم درخواست استفاده از پایگاه هوایی دیه گو گارسیا برای حمله به ایران را از بریتانیا مطرح نکند. البته باید دید در روزهای آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد.

بدین ترتیب، [می‌توان فهمید که چرا] دولتهای غربی تمایل دارند که با دولت آمریکا (به‌ویژه دولت ترامپ) وارد تنش نشوند. از این رو، [همواره] از «تنش‌زدایی» و «خویشنداری» سخن می‌گویند و از نظر سیاسی، ایران را مقصر می‌دانند.

اما در عین حال، هیچ‌کدام تاکنون صریحاً موضع حقوقی اتخاذ نکرده‌اند که توسل اسرائیل به زور را قانونی قلمداد کند. و دست کم برخی از وکلای دولتی آن‌ها – شاید حتی تعداد زیادی از آن‌ها – اگر بخواهیم با تعبیر کارشناس از آنها یاد کنیم، در کنار ویلمشرست ایستاده‌اند.

دفاع مشروع جمعی: تنها استدلال ممکن برای ایالات متحده

در این صورت، مشروعیت حملات هوایی آمریکا چگونه ارزیابی می‌شود؟

تنها استدلالی که ممکن است ایالات متحده مطرح کند، دفاع مشروع جمعی از اسرائیل و به درخواست اسرائیل است. بر این اساس، این نظر که [طرح ادعای] «دفاع مشروع در زمان درگیری مسلحانه جاری، نامربوط است» – همان‌طور که پیش‌تر توضیح دادم، حتی در مورد خود اسرائیل هم نادرست محسوب [و نمی‌توان ادعای دفاع مشروع کرد] – در اینجا کاملاً بی‌معنا تلقی خواهد شد، در وجهی که آمریکا [نیز] بخواهد اقدام نظامی‌اش را [این گونه] توجیه کند.

به‌سختی می‌توان دید که ایالات متحده بتواند به‌طور قانع‌کننده‌ای ادعا کند که ایران به‌زودی قرار است به آمریکا حمله کند. بنابراین، تنها ادعای موجود این است که اسرائیل در حال دفاع از خود است و آمریکا نیز در چارچوب ضرورت و تناسب، به آن کمک می‌کند. این دقیقاً همان استدلالی است که نماینده آمریکا در جلسه اضطراری شورای امنیت دیروز مطرح کرد: این عملیات در پی حذف یک منبع دیرینه اما به‌سرعت در حال تشدید ناامنی جهانی و کمک به متحدان، اسرائیل، در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع جمعی طبق منشور ملل متحد انجام شد.

مشروعیت این استدلال کاملاً وابسته به مشروعیت ادعای اسرائیل در مورد دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد است. اگر من اشتباه می‌کنم، و آن وکلایی که از اقدامات اسرائیل دفاع می‌کنند درست می‌گویند و اسرائیل واقعاً در حال اعمال دفاع مشروع است، پس آمریکا نیز حق دارد به آن کمک کند.

اقدامات نظامی آمریکا تا اینجا – که ظاهراً فقط به برنامه هسته‌ای ایران محدود شده‌اند – در این صورت در محدوده ضرورت و تناسب قرار می‌گیرند.^{۱۰} اما حتی در این چارچوب هم تغییر رژیم (regime change) خارج از حیطه مجاز خواهد بود.

اما اگر من درست می‌گویم که اقدامات اسرائیل غیرقانونی هستند، آنگاه آمریکا نیز حقی برای دفاع مشروع جمعی نخواهد داشت – دقیقاً مانند ایران یا کره شمالی که نمی‌توانند به بهانه دفاع مشروع جمعی از روسیه در برابر اوکراین حمایت کنند. در همین راستا، بریتانیا یا دیگر متحدان آمریکا نمی‌توانند به استفاده بعدی از زور علیه ایران پیوندند – حتی از طریق در اختیار گذاشتن پایگاه هوایی، تسلیحات یا سوخت‌رسانی – مگر آن که تغییری اساسی در شرایط رخ دهد.

دفاع مشروع و نقض حریم هوایی کشور ثالث

علاوه بر پاسخ مستقیم به درگیری میان اسرائیل، آمریکا و ایران، برخی کشورهای منطقه مستقیماً تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، چرا که طرف‌های درگیر از حریم هوایی آن‌ها برای انجام عملیات نظامی استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال:

- اسرائیل بارها حریم هوایی عراق را نقض کرده تا هواپیماهای جنگی‌اش به ایران برسند. عراق هم این اقدام را به‌عنوان نقض حاکمیت خود محکوم کرده است.
- دیروز، بمب‌افکن‌های B-۲ آمریکا نیز از حریم هوایی عراق استفاده کردند، گرچه عراق تاکنون اعتراضی نکرده است.
- اردن، پهبادهای و موشک‌های کروز ایران را سرنگون کرده،
- و به نظر می‌رسد که عربستان سعودی نیز اجازه داده است اسرائیل از حریم هوایی‌اش برای انهدام موشک‌های ایرانی استفاده کند.^{۱۱} تا جایی که اطلاع دارم – و خوانندگان در صورت اشتباه لطفاً تصحیح

^{۱۰} توضیح امور پژوهشی کمیسیون: معلوم نیست نویسنده چطور ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای که به صراحت در موازین بین‌المللی مقرر شده را نادیده گرفته و بدون توجه به آن سعی کرده تا حمله به آمریکا را محدود و قابل گنجاندن در محدوده ضرورت و تناسب توصیف کند. بر اساس ماده ۵۶ پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون ژنو، تأسیسات هسته‌ای حتی در زمان جنگ، به دلیل خطر تشعشعات رادیواکتیو، مورد حمایت ویژه قرار دارند.

کنند - بیشتر موشک‌های بالستیک ایران به دلیل مسیر فرود شبه‌مداری و بسیار تندشان، حریم هوایی هیچ کشور ثالثی را نقض نمی‌کنند.

سوال اول: آیا دولتی که در حال دفاع مشروع است، می‌تواند بدون رضایت کشور ثالث از حریم هوایی آن عبور کند؟

فرض کنیم که ایران یا اسرائیل در حال اعمال دفاع مشروع هستند. آیا در این صورت، می‌توانند از حریم هوایی کشور ثالث بدون اجازه عبور کنند، اگر این تنها راه دسترسی به دشمنشان باشد؟ به عبارت دیگر، اگر این کار از نظر نظامی ضرورت کامل داشته باشد، آیا مجاز است؟

پاسخ این سوال به این بستگی دارد که آیا دفاع مشروع را حقی قابل استناد در برابر کشور ثالث بدانیم یا نه. یا از زاویه‌ای دیگر، آیا دفاع مشروع می‌تواند به عنوان وضعیتی تلقی شود که عدم مشروعیت نقض حقوق کشورهای ثالث - مانند حق حاکمیت سرزمینی - را توجیه کند. تا جایی که من اطلاع دارم (البته تحقیق عمیق در این زمینه نکرده‌ام و خوشحال می‌شوم اگر خوانندگان منابعی پیشنهاد دهند)، در عمل دولت‌ها و در ادبیات حقوقی هیچ اجماعی درباره این موضوع وجود ندارد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل (ILC) در تفسیر بند ۵ از ماده ۲۱ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها صراحتاً گفته: ماده ۲۱ تمامی مسائل مربوط به آثار دفاع مشروع نسبت به دولت‌های ثالث را باز گذاشته است. این به آن معناست که در مواردی که علیه کشور ثالث از زور استفاده نمی‌شود - بلکه فقط پروازی از حریم هوایی آن کشور صورت گرفته و در حد نقض حاکمیت است - می‌توان دفاع مشروع را به عنوان دلیلی برای زائل کردن عدم مشروعیت این اقدام مطرح کرد. برخی از همکاران من که با آنان در این باره مکاتبه داشته‌ام نیز همین دیدگاه را دارند - هرچند این دیدگاه تا حدی محتاطانه است. تنها نکته‌ای که مطمئن هستم این است که پاسخ این مسئله را نمی‌توان از حقوق بی‌طرفی (law of neutrality) یافت - حقوقی که اگر هنوز نمرده، باید بمیرد! دولت متجاوز، طبیعتاً هیچ حقی برای نقض حریم هوایی کشور ثالث ندارد.

^{۱۱} توضیح امور پژوهشی کمیسیون: هنوز اطلاعات دقیق مربوط به اینکه چه دولتهایی در منطقه با اسرائیل یا آمریکا همکاری کرده اند منتشر نشده است. اردن خود اعلام کرد که همکاری داشته و قطر نیز میزبان پایگاه نیروهای آمریکایی در کشور خود بوده است که البته در واکنش ایران، مرکز مزبور (پایگاه العدیده) هدف موشک قرار گرفت.

سوال دوم: آیا کشور ثالث (مثلاً عراق یا اردن) می‌تواند علیه هواپیما یا موشک کشوری که ادعای دفاع مشروع دارد، از زور استفاده کند؟

فرض کنید ایران در حال اعمال دفاع مشروع است و موشک‌هایی به سمت اسرائیل پرتاب می‌کند. آیا اردن می‌تواند آن‌ها را سرنگون کند؟

یک دیدگاه - که احتمالاً بهتر است - می‌گوید: در برابر دفاع مشروع، نمی‌توان دفاع مشروع انجام داد. یعنی اگر اسرائیل یا آمریکا در حال اعمال دفاع مشروع (فردی یا جمعی) علیه ایران باشند، و عبور از حریم هوایی عراق برای آن‌ها ضروری باشد، عراق حق ندارد با زور مانع آن‌ها شود.

دیدگاه دیگر می‌گوید: دفاع مشروع ممکن است باعث زائل شدن مسئولیت حقوقی شود، اما کشور ثالث همچنان می‌تواند به نقض حاکمیتش واکنش نشان دهد - مثلاً با اقدام نظامی. یعنی عراق یا اردن موظف نیستند که نقض حریم هوایی‌شان را تحمل کنند.

دفاع مشروع در برابر دفاع مشروعی که فراتر از تناسب و ضرورت رفته است

در پایان، می‌خواهم به مسئله مرتبط دیگری بپردازم:

حتی اگر از حملات دیروز صرف‌نظر کنیم، آیا ایالات متحده می‌تواند برای ساقط نمودن موشک‌های ایرانی به اسرائیل کمک کند - حتی اگر فرض کنیم که ایران در حال اعمال دفاع مشروع است؟

طبق دیدگاه سخت‌گیرانه‌ای که می‌گوید: هیچ دفاع مشروعی علیه دفاع مشروع وجود ندارد. چنین کمکی غیرقانونی خواهد بود - حتی اگر عدم انجام آن کمک باعث شود که تعداد قابل‌توجهی از غیرنظامیان اسرائیلی کشته یا مجروح شوند.

دیدگاه جایگزین می‌گوید که: کشورهای ثالث می‌توانند کمک کنند به ساقط نمودن موشک‌های ایرانی، اگر حمله ایران در چارچوب دفاع مشروع، اما به صورت غیرضروری یا نامتناسب انجام شده باشد. به عبارت دیگر؛ در برابر دفاع مشروع، نه اما در برابر دفاع مشروعی که فراتر از حدود مجاز (ضرورت و تناسب) رفته است. بله. همان‌طور که مایک اشمیت (Mike Schmitt) هم مطرح کرده است. هیچ حقی برای دفاع در برابر دفاع مشروع وجود ندارد مگر در صورت تخلف از قوانین جنگ. به طور کلی، هیچ حقی - چه فردی و چه جمعی - برای دفاع در برابر

اقداماتی که در چارچوب حق دفاع مشروع تحت *jus ad bellum* یعنی استفاده مشروع از زور در سطح بین‌المللی انجام می‌شوند، وجود ندارد.

با این حال، اگر گزارش‌ها درباره هدف قرار دادن مراکز جمعیتی توسط ایران (علاوه بر اهداف نظامی) صحیح باشند، ایالات متحده حق دارد به اسرائیل در دفاع در برابر آن کمک کند. چرا؟ زیرا اقدامات غیرقانونی - مانند هدف قرار دادن غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی که برخلاف قوانین مخاصمات مسلحانه (LOAC) است - دیگر معیار ضرورت در دفاع مشروع را برآورده نمی‌کنند و بنابراین خودشان به عنوان استفاده غیرقانونی از زور (یعنی حمله مسلحانه) تلقی می‌شوند، که می‌تواند حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را فعال کند. طبیعتاً، تحلیل این وضعیت بسیار وابسته به واقعیات و داده‌های میدانی است.

نظر نگارنده: تأکید بر ابهام در واقعیت میدانی

من با این تحلیل موافقم. همان‌طور که مایک (Mike) اشاره کرده، مشکل اصلی مسأله تشخیص واقعیت است. اگرچه برخی موشک‌های ایرانی به اهداف غیرنظامی اصابت کرده‌اند، اما این لزوماً به معنای هدف قرار دادن آنها نبوده یا اینکه شلیک بدون رعایت اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی (indiscriminate) انجام شده است. شواهد زیادی هم وجود دارد که نشان می‌دهد موشک‌های ایرانی به اهداف نظامی در اسرائیل یا در نزدیکی آنها اصابت کرده‌اند و همین موضوع، کار را برای هر کشور ثالثی که بخواهد از اسرائیل در برابر موشک‌های ورودی دفاع کند، بسیار دشوار می‌کند. زیرا چگونه می‌توان تشخیص داد که آیا حمله علیه غیرنظامیان است یا به صورت بی‌ضابطه انجام شد و بنابراین از نظر *jus ad bellum* (حقوق جنگ) غیرضروری و نامتناسب است؟ مگر اینکه یک ارزیابی کلی و تخصصی نظامی درباره جهت‌گیری و روش حملات موشکی ایران صورت گیرد - و این هم مسئله‌ای است که باید کارشناسان نظامی درباره آن تصمیم بگیرند - در غیر این صورت، ارزیابی مورد به مورد موشک‌های بالستیک که تنها ده دقیقه در پرواز هستند، عملاً غیرممکن است.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی:

- هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد حمله هسته‌ای قریب‌الوقوع از سوی ایران علیه اسرائیل در جریان بوده است.
- هیچ استدلال دیگری نیز نمی‌تواند توجیه‌گر استفاده اسرائیل از زور باشد.

• بنابراین، استفاده اسرائیل از زور، غیرقانونی است.

و با نهایت احترام به همکارانی که دیدگاه متفاوتی دارند، این یک مسئله دشوار، پیچیده یا مورد تردید نیست. ارزیابی حقوقی تنها در صورتی تغییر می کند که اطلاعات [معتبر و] مشخصی منتشر شود مبنی بر اینکه ایران تصمیم گرفته بمب هسته‌ای بسازد و از آن علیه اسرائیل استفاده کند. هیچ کدام از اظهارات علنی مقامات ایرانی چنین چیزی را نشان نمی دهند. نه گفته اند که در حال ساخت بمب هستند، و نه گفته اند که قصد دارند از آن علیه اسرائیل استفاده کنند.

- استفاده از زور توسط ایالات متحده علیه ایران نیز **غیرقانونی است**، زیرا نمی توان آن را به عنوان دفاع مشروع جمعی از اسرائیل توجیه کرد.
- دولت های ثالث از نظر حقوقی موظف اند که از کمک و حمایت از استفاده های غیرقانونی از زور خودداری کنند.
- اگر تنها راه اعمال مؤثر دفاع مشروع، عبور از حریم هوایی یک کشور ثالث باشد، احتمالاً این اقدام از نظر حقوقی موجه است.
- کمک کشورهای ثالث برای انهدام موشک های ایرانی علیه اسرائیل، تنها در صورتی مشروع است که شواهد کلی یا خاصی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه حملات ایران از معیارهای ضرورت و تناسب فراتر رفته اند.

.....

نکته اجرایی:

من در تعطیلات با خانواده در جنوب شرقی آسیا هستم، و این مقاله را طی چند ساعت در کنار استخر نوشتم. از بابت هرگونه خطا پوزش می طلبم. همچنین اگر نتوانم طبق معمول به نظرات پاسخ دهم، پوزش دیگر نیز لازم است.